

گنجینه قرآنی

♦ جالب است که همه مدت خدمت او در حوزه فرهنگی آستان قدس دو سال است. او در این مدت امور فرهنگی مربوط به حرم را منظم سازی می کند، نشریاتی را برای معرفی نفایس کتابخانه منتشر می کند، چند شعبه کتابخانه از جمله وزیری یزد، کتابخانه هنری کرمان و... را به همت بزرگان محلی در شهرستان ها دایر کرده، سروسامان می دهد و به آن ها و جاهت علمی می بخشد. با تجربیاتی که از سفرهای پژوهشی به خارج کشور و کتابخانه ها و مراکز فرهنگی آنجا دارد، برای اولین بار دستگاه فیلم برداری از کتاب های خطی خریداری کرده به خراسان می آورد.

همچنین به گردآوری نسخه های خطی به ویژه قرآن های خطی پراکنده در نزد افراد و اشخاص مختلف همت می کند. گنجینه قرآنی بزرگ و ارزشمندی که امروزه در حرم مطهر می بینید. تا زمان آمدن مرحوم رجایی بخارایی به آستان قدس رضوی به صورت اتاقی در کنار تالار تشریفات آن وقت دیده می شد که بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و شاه یا میهمانان ویژه دولت و آستان قدس رضوی می توانستند از آن بازدید کنند. رجایی بخارایی امالین گنجینه را با افزودن تعداد بیشتری از نفایس متحول کرد و کم کم آن را به صورت موزه قرآن در آورد تا همه مردم بتوانند از آن بازدید کنند.

در فرهنگ نامه قرآنی می گوشتا همه واژه های سره فارسی موجود در ترجمه های قدیمی قرآن را به صورت یک فرهنگ مستقل گردآوری و منتشر کند. «علی سلطانی» محقق و پژوهشگر ادبیات در مورد تلاش های پژوهشی - قرآنی او تعبیر جالبی را به کار برده و می گوید: «تحقیق و پژوهش های قرآنی رجایی بخارایی فراتر از مجموع تحقیقات دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران بوده است».

بزرگ مردی پدر بزرگ مرا از سواره تر کمن خریداری کرده و بر تربیت او همت می گمارد. این پسر تا جایی رشد می کند که به وزارت امیر بخارا نائل می شود، پدر بزرگم از مردمان بخارا زنی برای خود بر می گزیند و از آن ها فرزندان بی به جای می ماند که بزرگ ترین آن ها پدر من است».

♦ رئیس دانشکده انقلابی

در تهران و در زمان دولت مصدق، مدتی مسئول دفتر وزیر فرهنگ آن زمان (دکتر آذر) بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد، دو سه سالی منتظر خدمت شد. در همین دوران تحصیلاتش را به کمک دکتر شایگان ادامه داد و توانست دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را بگیرد. تدریس در مدرسه عالی ادبیات و دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، همکاری با بنیاد فرهنگ ایران و اجرای برنامه های رادیویی «شناختی نواز شاهنامه» و دانشیاری در دانشگاه تبریز را هم باید به سوابقش اضافه کرد و البته بعد از مدتی کار در این دانشگاه است که به زادگاهش برمی گردد. سه سال پس از انتقال به مشهد به ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی می رسد و در سال ۱۳۴۴ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد را بنیان گذاری و منتشر می کند. البته دوران ریاست او در این دانشکده همراه با حوادث و ناآرامی های گوناگونی بود که پای ساواک و نیروهای مختلف امنیتی را به دانشگاه باز کرد. معلوم است که در این ماجراها، رئیس دانشکده ای مثل احمد علی رجایی، طرف استادان و دانشجویان می ایستد و تن به همکاری با نیروهای امنیتی نمی دهد تا مورد خشم و غضب حکومت قرار بگیرد. شجاعت و شهامتش اما در مدیریت دانشکده تا سال های سال سر زبان ها می ماند. در نهایت هم بدگوها و بدخواهانش کاری می کنند که دکتر در سال های پایانی خدمتش در بهمن سال ۱۳۴۷ درخواست بازنشستگی بدهد. جالب اینکه بلافاصله با درخواست او موافقت می شود. دکتر احمد علی رجایی، از اوایل سال ۱۳۴۸ با دعوت استاندار خراسان و نایب التولیه آستان قدس رضوی، به آستان می رود و امور فرهنگی را در آنجا پایه گذاری می کند.

♦ فرهنگ نامه قرآنی

فکر نکنید وقتی می گوئیم در آستان قدس رضوی «امور فرهنگی» را پایه گذاری کرده احتمالاً کسانی پیدا شده به او پناه داده و بعد هم تشکیلات و اداره ای را برای دلخوش بودنش راه انداخته اند. رجایی بخارایی در کنار اینکه ۳۰ سال از عمر و تلاش خود را برای تربیت شاگردانی چون «محمد رضا شفیعی کدکنی»، «حمید زرین کوب» و «محمد جعفر یاحقی» صرف می کند، برای گسترش کتابخانه حضرتی در آن زمان و معرفی و نشر قرآن های خطی و ترجمه شده این کتابخانه هم خودش را به آب و آتش می زند و حتی سازمان یا مرکز «فرهنگ نامه قرآنی» را پایه گذاری می کند و برای همین هم بعدها به او لقب «کاشف ترجمه های پارسی و کهن قرآن» را می دهند. او